

Jurisprudential explanation of the concept of "Efk" in the media

Atie Moghadamfar(Ph.D.)¹

 0000-0000-0000-0000

Abstract

"Efk" literally means a false news that the speaker seeks to change the truth in a wide social scope so that he can destroy the truth and establish the false. The statement of Afek incident in Surah Noor is a kind of warning to believers in all ages and is not exclusive to prophetic history. One of the enemy's cognitive warfare tools is to create lies and publish them as much as possible. Efk is basically a media debate affecting the Islamic society. This research has processed the library and software data in an analytical and descriptive form with the narrative and critical method (verses and narrations). Analyzing the background of the research shows that so far no research has been done about the concept of Efk and its deep connection with the media as a tool of the enemy's soft war with a narrative and Quranic perspective, and most researches have analyzed the Efk event in a historical and documentary manner. are The current research, with the perspective of governmental jurisprudence, has tried to show the sensitivity of the position of the agents of the Islamic system, who are suspected by ill-wishers, to Efk incident and its precise conceptualization. In fact, the Holy Qur'an mentions an example of the actions of the enemy to discredit the security of the Islamic system, while in the current era, with the expansion of the virtual and media space, we are witnessing the spread of dangerous events more than in the past.

Keywords: Efk, Governmental jurisprudence, Media, Asaba.

1- Atie Moghadamfar/ Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Foundations of Islamic Law, Refah Non-Governmental-Non-Profit Faculty.

moghadamfar@refah.ac.ir

تبیین مفهوم «افک» در رسانه

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۳۰

عطیه مقدم فر^۱

چکیده

«افک» در لغت به معنای خبر دروغی است که گوینده آن به دنبال دگرگون‌سازی حقیقت در گستره وسیع اجتماعی است تا از این رهگذر بتواند حق را منهدم و باطل را مستقر سازد. بیان واقعه افک در سوره نور، نوعی هشدار به مؤمنان در تمام اعصار است و منحصر به تاریخ نبوی نیست. یکی از ابزارهای جنگ شناختی دشمن، دروغ‌سازی و نشر حداکثری آن است. افک در اصل یک بحث رسانه‌ای و مورد ابتلا در جوامع اسلامی است. این پژوهش با روش نقلی و وحدانی (آیات و روایات)، داده‌های کتابخانه‌ای و نرم‌افزاری را به شکل تحلیلی و توصیفی پردازش کرده است. واکاوی پیشینه‌های پژوهش نشانگر آن است که تاکنون پژوهشی پیرامون مفهوم‌شناسی افک و پیوند عمیق آن با رسانه به‌عنوان ابزار جنگ نرم دشمن با نگاه روایی و قرآنی صورت نپذیرفته است و اکثر پژوهش‌ها به نحو تاریخی و سندی، واقعه افک را تحلیل کرده‌اند. در پژوهش حاضر با مفهوم‌شناسی دقیق افک در یافتیم افک دروغی پیچیده، در گستره اجتماع و با هدف بستن راه حق و ترویج امری باطل محقق می‌شود و منحصر به خاندان پیامبر نمی‌باشد؛ لذا با توجه به قید شیوع اجتماعی معنایی، این نتیجه حاصل شد که اولاً پیوند و انطباق شدیدی میان افک و رسانه به‌عنوان اصلی‌ترین ابزار جنگ نرم و شناختی وجود دارد؛ زیرا رسانه نقش پررنگ‌تری در فراگیری دروغ‌سازی‌های دشمن علیه حاکمیت دینی دارد. ثانیاً ضرورت دارد پدیده «افک» با رویکرد حکومتی و از منظر فقه حکومتی تحلیل شود، چراکه افک به‌نوعی جنگ شناختی دشمنان اسلام است که فراتر از جنگ سخت سبب سلب امنیت روانی جامعه می‌شود و با قبح‌شکنی از منکرات موجب شیوع آن خواهد شد. مضاف بر آن، نظر به آنکه قرآن کریم مصداقی از اقدامات دشمن جهت بی‌آبرو ساختن رهبری و قلّه جامعه اسلامی را اعلان می‌کند، حساسیت جایگاه کارگزاران نظام اسلامی را که در مظان افک از سوی بدخواهان قرار می‌گیرند، نشان دهد.

واژگان کلیدی

افک، فقه حکومتی، رسانه، عصبه.

۱- استادیار دانشکده غیرانتفاعی - غیردولتی رفاه تهران، تهران، ایران.

مقدمه

در قرآن، واژه افک و مشتقات آن قریب به ۳۰ مورد به کار رفته است؛ اما آنچه به عنوان واقعه افک شهرت دارد، آیاتی است که در سوره مبارکه نور نازل شده است. در این سوره، ۱۶ آیه در مورد افک آمده است.

آیات افک در سوره نور، ماجرای یکی از همسران پیامبر(ص) است که مورد تهمت فحشا از سوی افترازنندگان قرار می‌گیرد. سردسته افترازنندگان منافقانند که با همراهی برخی از مسلمانان که از ایمان کافی برخوردار نبودند، مدتی جامعه اسلامی را آشفته کردند.

خداوند متعال با نزول آیات، پاکدامنی زن مؤمنه را از فحشا اعلان کرد، همچنین تهمت‌پراکنان و دروغ‌سازان را مورد سرزنش و توبیخ و وعده عذاب عظیم بدان‌ها داد.

درحقیقت قرآن کریم، تجلی احیای کرامت و جایگاه والای زن مسلمانی است. در تفاسیر شیعه و اهل سنت با بهره‌گیری از روایات متعدد، در مورد فرد متهم اختلاف نظر وجود دارد. برخی شأن نزول آیه را شخص عایشه و بعضی انتشار اتهام را در مورد همسر دیگر پیامبر(ص) به نام ماریه قطیبه بیان کرده‌اند. فارغ از اینکه مخاطب آیه کدام یک از همسران پیامبر است؛ همان‌طور که برخی مفسران نیز اذعان کرده‌اند، افک، منحصر به آن حادثه تاریخی و خاندان نبوی نیست. مؤید این مطلب، خود آیات سوره مبارکه نور است چراکه درصدد بیان شخصی که مورد افک واقع شده نیست. از این رو، می‌توان گفت، نوعی تهمت است که انسان مطلبی را وارونه نشان می‌دهد و از شکل اصلی خود خارج می‌کند. افک پیوند زیادی با انتشار خبر و رسانه دارد.

امروز، تغییر و تحریف واقعیت و به‌دنبال آن نابودی حق در سطح وسیع در رسانه‌ها نمایان است. افک مسئله‌ای پیچیده و سازماندهی شده است، همان‌گونه که در عصر نبوت توسط منافقان طراحی شده و زمان نسبتاً طولانی، فضای جامعه اسلامی را آلوده به گناه کرد. دشمنان نظام اسلامی همواره با روش‌های گوناگون از جمله افک و دروغ‌سازی وسیع تلاش کرده‌اند تا حاکمیت اسلامی را تضعیف کنند.

۱- مفهوم‌شناسی

۱-۱- مفهوم افک

افک در لغت به معنای برگرداندن و وارونه ساختن (ابن فارس، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۱۱۸) و هر امری است که از حقیقت خود بازگردانده شود (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۸۰). از همین رو برخی افک را مترادف با دروغ دانسته‌اند (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۵، ص ۴۱۷).

در تهذیب اللغه نقل شده است که «افک الناس: کذبهم وحدهم باطل»، یعنی به مردم دروغ گفت و برای آنان گفتارهای باطل نقل کرد. سپس صاحب تهذیب بیان می‌کند: «الا فاک: الذی یافک الناس ای یصدهم عن الحق بیاطله»؛ افاک کسی است که با مطالب منحرف، مردم را از راه حق بر می‌گرداند (اللزهری، ۱۴۲۱ق، ج ۱۰، ص ۲۱۴-۲۱۵؛ مهنا، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۳۵).

درحقیقت ریشه «افک»، انحراف است و هر چند دروغ نوعی افک محسوب می‌شود چرا که اثر دروغ انحراف است؛ اما به مطلق دروغ افک گفته نمی‌شود بلکه در مورد دروغ‌هایی به‌کار برده می‌شود که عنوان تهمت دارد؛ به‌طورمثال، زمانی که شخصی کاری را انجام نداده و می‌گوید انجام دادم، اینجا تهمتی در کار نیست؛ لیکن گاهی فرد برای آن که کسی، کتابی و یا جریانی را تخریب و لکه‌دار کند و مردم را از مسیر حق منحرف سازد، دروغ می‌گوید، این معادل افک است که قبیح‌ترین نوع دروغ محسوب می‌شود (مطهری، ۱۳۸۹، ص ۱۷۵). لذا افک یک دروغ پیچیده، ترکیبی و اجتماعی است که مخاطب آن، عموم مردم هستند و با هدف بستن راه حق و ترویج امری باطل محقق می‌شود. پس ضرورت دارد پدیده «افک» را با رویکرد حکومتی و سیاسی، تحلیل و واکاوی نمود.

۱-۲- مفهوم رسانه

رسانه‌های جمعی یا عمومی و به تعبیر دیگر وسایل ارتباط جمعی، اصطلاح فارسی شده واژه لاتین Medium است که جمع آن Media می‌باشد و منظور از آن دسته‌ای از وسایل هستند که مورد توجه تعداد کثیری می‌باشند و از تمدن‌های جدید به‌وجود آمده‌اند. در فرهنگ دهخدا، رسانه، اسم مصدر رسانیدن و به معنای وسیله رسانیدن است (دهخدا، ۱۳۴۵، ج ۷، ص ۹۲۸۹). فرهنگ عمید، هر وسیله‌ای که مطلب یا خبری را به اطلاع مردم می‌رساند،

مانند رادیو، تلویزیون و روزنامه‌ها رسانه گفته شده است (عمید، ۱۳۶۴، ج ۲، ص ۱۰۷۱). در فرهنگ اندیشه نو، رسانه به‌عنوان اصطلاحی کلی برای اشاره به سیستم یا دستگاه‌های انتقال اطلاعات یا سرگرمی به‌کار برده می‌شوند؛ مانند روزنامه، رادیو، تلویزیون، فیلم و غیره. رسانه‌ها در فرهنگ الفبای زبان فارسی به‌عنوان مجموع ابزارها و روش‌هایی که برای ارتباط اجتماعی و شخصی به‌کار می‌روند (*استانلی برس و بولک*، ۱۳۸۷، ص ۴۷۳). در تعریفی دیگر، رسانه وسیله‌ای است برای نقل و انتقال اطلاعات، ایده‌ها و افکار افراد یا جامعه؛ رسانه واسطه‌ای عینی و عملی در فرایند برقراری ارتباط است و دو نوع کارکرد آشکار و پنهان برای آن وجود دارد که کارکرد آشکار آن یعنی اینکه رسانه محل برخورد پیام و گیرنده پیام است؛ اما کارکرد پنهان رسانه یعنی برقرارکننده جریان ارتباط و پیام‌رسانی. رسانه، در مفهوم ارتباطی آن، عاملی است که می‌تواند پیامی را به مخاطب انتقال دهد. درواقع رسانه‌ها یا وسایل ارتباط همگانی کارشان پیام‌رسانی است (محمدپور، ۱۳۹۹، صص ۱۶-۱۷).

رسانه‌های اجتماعی را می‌توان به‌عنوان کاربردهای دسته‌ای ابزار برخط و فناوری‌هایی تعریف کرد که مشارکت، محاوره، آزاداندیشی، ایجاد و اجتماعی شدن را در گروهی از کاربران، ترغیب و تسهیل می‌سازند. کاربردهایی از ابزارهای نرم‌افزاری برخط، شامل تارنماهای شبکه‌های اجتماعی مانند فیس‌بوک^۲، مای اسپیس^۳، و تویتر^۴، همچنین تارنماهای اشتراک رسانه‌های، ریسرچ گیت^۵، آکادمیا^۶، لینکداین^۷، وبلاگ‌ها^۸، پادکست‌ها^۹... (غلامحسین‌نژاد، ۱۳۹۹، ص ۲۷).

2. facebook
3. my space
4. twitter
5. researchgate
6. academia
7. linkedin
8. blogfa
9. podcast

۱-۳- فقه حکومتی

فقه در لغت به معنای فهم و دانش (ابن فارس، ۱۴۱۴ق، ج ۴، ص ۴۲۴) و حکومت به معنای منع کردن از ظلم است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۲، ص ۱۴۱). در اصطلاح، مراد از فقه، آگاهی بر احکام شرعی فرعی است که این شناخت مستند بر ادله تفضیلی باشد (شهید اول، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۴۰۱) و حکومت در اصطلاح سیاست، به معنای فرمانروایی، حکمرانی و دستگاه حکمران در کشور است (آشوری، ۱۳۸۶، ص ۱۴۱).

با تتبع در کتب فقهی و تأمل در کلام فقها، درمی‌یابیم که دو رویکرد در خصوص فقه وجود داشته است: نخست نگاه فردگرایانه که فقه را علم تنظیم ارتباط انسان با خدا می‌داند و حلال و حرام را به حوزه اعمال فردی انسان محدود می‌کند. در این نگاه، فقیه می‌تواند بخشی از فقه یا همه بخش‌ها را فاقد وجود نظام و اره‌ای بین بخش‌ها، استنباط کند و نگاه دوم، نگاه اجتماعی و حکومتی است که مبتنی بر این است که افراد به جز هویت فردی‌شان، تشکیل‌دهنده یک هویت جمعی به نام «جامعه» نیز می‌باشند.

در این نگاه اخیر، فقه بایستی دو نوع موضوع را بشناسد و احکام آن را شفاف نماید، آن هم نه مستقل از یکدیگر بلکه دو هویت جداناپذیر و غیرقابل تفکیک‌اند. نگاه دوم همان زمینه برای شکل‌گیری «فقه حکومتی» در برابر «فقه فردی» است (مشکانی سبزواری و سعادت، ۱۳۹۳، صص ۳۱۸-۳۱۹).

از این رو، فقه حکومتی به معنای نگرش خاصی است که حاکم بر کل فقه است و مطابق آن استنباط‌های فقهی بر اساس فقه اداره نظام سیاسی شکل می‌گیرد (ایزدهی، ۱۴۰۰، ص ۶۱۲). فقه حکومتی لزوماً مباحث سیاسی نیست بلکه تمامی مسائل عبادی و غیرسیاسی را نیز دربرمی‌گیرد.

۲- افک در قرآن

در قرآن کریم واژه «افک» و مشتقات آن ۲۷ مورد به کار رفته است که موارد استعمالی آن را توضیح خواهیم داد.

۲-۱- مقصود قرآن از افک

از میان ۲۷ مرتبه‌ای که افک به همراه مشتقات خود در قرآن تکرار شده است، بیشتر موارد استعمال آن، دروغ‌سازی در منافقان (منافقون: آیه ۴)، مشرکان (احقاف: آیه ۲۸)، کافران (احقاف: آیه ۱۱)، یهودیان و مسیحیان (توبه: آیه ۳۰) و هر دروغ‌سازی (زاریات: آیه ۹) درباره موضوع‌های اعتقادی و جنسی مانند خدا، آیات خدا و قرآن (صافات: آیات ۱۵۱ و ۱۵۲، جاثیه: آیات ۶ و ۷؛ سبأ: آیه ۴۳)، ملائکه (صافات: آیات ۱۵۱ و ۱۵۲)، پیامبران (توبه: آیه ۳۰)، مؤمنان (احقاف: آیه ۱۱) و زنان (نور: آیه ۱۱) وارد شده است.

یک نقد اساسی نسبت به ترجمه کلمه افک وجود دارد؛ زیرا با توجه به آنکه زبان، ابزار تعامل است، عمل برابریابی در تمام متون از جانب مترجم صورت می‌گیرد. یکی از مسائل مهمی که گاهی در ترجمه آیات قرآن غفلت می‌شود، در نظر داشتن کارکرد اصلی واژگان و معانی آن‌ها در زبان مقصد است. از این رو بی‌توجهی نسبت به این مهم، سبب عدم شفافیت در مفهوم و حتی انحراف از معنی اصلی می‌شود (صیادانی، ۱۴۰۱، ص ۲۰۰).

در ترجمه واژه «افک» در آیات، آن معنایی که از لغت به‌دست آمد، توسط مترجمان به‌خوبی به مخاطب منتقل نشده است و در ترجمه‌های مختلف، شاهد کثرت معنا هستیم؛ به‌طورنمونه واژه افک در سوره مبارکه نور در برخی ترجمه‌ها به‌معنای «بهتان» اتخاذ شده (فولادوند، ۱۴۱۵ق، ص ۵۰۳). همچنین در پاره‌ای موارد، «دروغ بزرگ» آمده است (اللهی قمشه‌ای، ۱۳۸۰، ص ۴۳۳). در تفاسیر، به مفهوم «شدیدترین اقسام کذب» (امین، ۱۳۶۱، ج ۹، ص ۱۹؛ گنابادی، ۱۴۰۸ق، ج ۱۰، ص ۲۸۶) و «دروغ عظیم» (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۰۸، ص ۱۰۸؛ مغنیه، ۱۴۲۴ق، ج ۵، ص ۴۰۶) ذکر شده است. در ترجمه‌ها به‌سادگی کلمه دروغ را مقابل افک گذاشته‌اند، درحالی‌که آن معنایی را که از کتب لغوی به‌دست آوردیم، نتوانسته‌اند منتقل کنند.

در تفسیر نور مراد از «افک» را دروغی دانسته که در قالب صدق و راستی مطرح می‌شود یا باطنی که ظاهری حق‌نما دارد (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۴، ص ۱۴۲). همچنین مرحوم طبرسی هر گونه کذبی را افک قلمداد نکرده و معتقد است افک، دروغی بزرگ است که مسائل را از شکل اصلی خود منحرف ساخته و سبب اضطراب‌آفرینی در سطح جامعه می‌شود (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۷، ص ۲۰۶).

باید گفت آنچه از مجموعه کتب لغت و تفاسیر برداشت می‌شود آن است که کلمه «افک» به خبری دروغی گفته می‌شود که گوینده آن به دنبال تغییر واقعیتی در سطح وسیع اجتماعی است و به هدف انهدام حق و جایگزین ساختن باطل، آن خبر را رواج می‌دهد.

۲-۲- آیات مرتبط با افک

همان که بیان شد ۲۷ مرتبه واژه افک و مشتقاتش، در آیات قرآن کریم تکرار شده است. برخی از این آیات در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرد:

الف) آیه ۴۳ سوره مبارکه سبأ: «وَإِذَا تُلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالُوا مَا هَذَا إِلَّا رَجُلٌ يُرِيدُ أَنْ يَصُدَّكُمْ عَمَّا كَانَ يَعْبُدُ آبَاؤَكُمْ وَقَالُوا مَا هَذَا إِلَّا إِفْكٌ مُّفْتَرَىٰ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَلْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ إِنَّ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ»، و هنگامی که آیات روشنگر ما بر آنان خوانده می‌شود، می‌گویند: در این جز دروغ بزرگی که (به خدا) بسته شده چیز دیگری نیست و کافران هنگامی که حق به سراغشان آمد گفتند: «این، جز سحری آشکار نیست».

مشرکان قریش با اشاره تحقیرآمیز به آیات خدا می‌گفتند: «این کلامی است که از وجهه اصلی‌اش برگشته و دروغی بر خدا است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۲۸۱)؛ زیرا آنان بت‌های خود را حق می‌پنداشتند و بر این باور بودند که پیامبر(ص) با دروغ پیچیده و عظیم خود قصد دارد مردم را از خدایان حقیقی برگرداند. به تعبیر روشن‌تر؛ کافران کلام حضرت رسول اکرم(ص) را دروغی می‌دانستند که در سطح جامعه وسعت یافته و مردم را از بت‌ها باز می‌دارد.

ب) آیه ۷۵ سوره مبارکه مائده: «مَا الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ وَأُمُّهُ صِدِّيقَةٌ كَانَا يَأْكُلَانِ الطَّعَامَ انظُرْ كَيْفَ نُبَيِّنُ لَهُمُ الْآيَاتِ ثُمَّ انظُرْ أَنَّى يُؤْفَكُونَ»، مسیح فرزند مریم، فقط فرستاده (خدا) بود پیش از وی نیز، فرستادگان دیگری بودند، مادرش، زن بسیار راستگویی بود، هر دو غذا می‌خوردند. بنگر چگونه نشانه را برای آنها آشکار می‌سازیم! سپس بنگر چگونه از حق باز گردانده می‌شوند!

این آیه شریفه در مورد مسیحیان است که حضرت عیسی(ع) را ابن‌الله می‌دانستند و قائل به تثلیث شده و به‌نوعی برای ایشان ربوبیت ساخته بودند. خداوند درمقابل دروغی

که اینان ترویج می‌دادند می‌فرماید: مسیح و مادرش مریم، از فرزندان آدم هستند و همچون سایر انسان‌ها غذا می‌خورند و این طعام خوردن درحقیقت از روی احتیاج است و احتیاج خود، اولین نشانه و دلیل بر امکان و مخلوقیت است؛ لذا مسیح با سایر فرستادگان الهی تفاوتی ندارد و مانند بقیه به سرنوشت مرگ دچار می‌شود (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۶، ص ۷۳).

در این آیه واسط شدن واژه «ثم» برای تفاوت دو تعجب است: یعنی آنها بعد از بیان از حق در مورد عیسی مسیح(ع) و مادرش باز از حق باز نگشته و جوهره الوهیت برای مسیح قائل هستند. و درنهایت در آیه مراد از افک آن است که این مسیحیان با دروغ ساخته، مردم را به چه مسیری می‌خواهند برگردانند و از حق منحرف سازند.

ج- آیه ۱۱۶ و ۱۱۷ سوره اعراف: «قَالَ الْقَوَّاءُ فَلَمَّا أَلْقَوْا سَحَرُوا أَعْنَ النَّاسِ وَأَسْتَرْهَبُوهُمْ وَجَاءَ وَبِسِحْرِ عَظِيمٍ»؛ موسی (از روی موافقت و سازگاری با آنها و اعتماد به خویشان) گفت: شما بیافکنید، سپس چون افکنند، چشم‌های مردم را جادو کردند (از راه حيله و نیرنگ به ایشان چنان نمودند که به‌راستی مار هستند، درحالی‌که جز ریسمان و چوب چیزی نبود). از این رو خداوند متعال فرموده: «سحروا اعین الناس»، و اگر در حقیقت مار بودند می‌فرمود: «فلما القوا صارک حیات».

آیه ۱۱۷ سوره اعراف: «و اوحینا الی موسی ان الق عصاک ماذا هی تلقف ما یفکون»، به موسی گفتم که این عصا را بینداز در آن میدان سحر. سپس عصای موسی به‌صورت اژدهایی در آمد و با دقت و سرعت مارهای دروغین و وسایل قلبی ساحران را جمع کرد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۶، صص ۲۹۴-۲۹۵).

ساحران طناب و عصای ساختگی را به‌صورت مار نمایش داده بودند به جهت اینکه ثابت کنند حضرت موسی(ع) باطل است و فرعون برحق است. از این دو آیه چنین به‌دست می‌آید که ساحران در عمل خود کذب و افک به‌کار بردند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۶، ص ۲۱۶) و با استفاده از خواص فیزیکی یا شیمیایی اجسام در طبیعت، طناب‌های دستی خود را در دیدگان عموم به‌صورت مار و افعی نشان دادند. پس افک به‌معنی دروغ ساختگی و چند لایه در این آیه استعمال شده است.

د- آیه ۱۱ و ۱۲ سوره نور: «إِنَّ الَّذِينَ جَاءُوا بِالْإِفْكِ عُصْبَةٌ مِّنْكُمْ لَا تَحْسَبُوهُ شَرًّا لَّكُم بَلْ هُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ لِكُلِّ امْرِئٍ مِّنْهُمْ مَا اكْتَسَبَ مِنَ الْإِثْمِ وَالَّذِي تَوَلَّى كِبْرَهُ مِنْهُمْ لَهُ عَذَابٌ عَظِيمٌ. لَوْلَا إِذْ

سَمِعْتُمُوهُ ظَنَّ الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بِأَنْفُسِهِمْ خَيْرًا وَقَالُوا هَذَا إِفْكٌ مُّبِينٌ، مسلماً کسانی که آن تهمت عظیم را عنوان کردند گروهی (توطئه‌گر) از شما بودند؛ اما گمان نکنید این ماجرا برای شما بد است بلکه خیر شما در آن است. آنها هر کدام سهم خود را از این گناهی که مرتکب شدند، دارند و از آنان کسی که بخش بزرگ آن را به‌عهده داشت عذاب عظیمی برای اوست. چرا هنگامی که این (دروغ) را شنیدید، مردان و زنان بالیمان نسبت به خود (و کسی که همچون خود آنها بود) گمان خیر نبردند و نگفتند این دروغی بزرگ و آشکار است.

حرم و تبع افک را به‌وضوح می‌توان از این دو آیه شریفه ادراک کرد؛ زیرا اگر افک حرام حرام نبود، «ما اکتسب من الاثم» معنا پیدا نمی‌کرد. این دو آیه اتهام فحشایی است که یکی از همسران پیامبر(ص) نسبت داده شد.

واژه «عصبه» بر وزن «غصه» در اصل از ماده «عصب» به‌معنی رشته‌های مخصوصی است که عضلات انسان را به‌هم پیوند داده و مجموعه آن سلسله اعصاب نام دارد؛ لذا به جمعیتی که با هم متحدند و پیوند و ارتباط و همفکری دارند «عصبه» گفته شده است. به‌کار رفتن این واژه نشان می‌دهد که توطئه تشکیل می‌دادند. برخی گفته‌اند تعبیر عصبه معمولاً در مورد ده تا چهل نفر به‌کار می‌رود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۴، ص ۳۹۴).

نکته دیگری که در آیه شریفه اهمیت می‌باشد این است که خداوند می‌فرماید: «عصبه منکم». بدین‌منظور که گمان نکنید کسانی که این افک را آورده‌اند، از بیگانگان و دشمنان خارجی بوده‌اند بلکه «منکم» یعنی داخلی‌ها این جریان را راه انداختند. عده‌ای عناصر داخلی با همدیگر هماهنگ و پشتیبان هم با دروغ‌سازی اجتماعی را بهم می‌ریزند.

۳- تحلیل روایی واقعه افک

این واقعه، ماجرای اتهام‌زدن به زنی از خانواده پیامبر(ص) است. در مورد شأن نزول آیات افک میان شیعه و سنی اختلاف‌نظر است (طوسی، بی‌تا، ج ۷، ص ۴۱۵). گروهی از مفسران که غالباً از اهل تسنن هستند، نزول این آیه را در مورد عایشه می‌پندارند که خداوند متعال با انزال آیه او را از تهمتی که برخی صحابه به وی زدند تبرئه کرده است (جصاص، ۱۴۰۵ق،

ج ۵، ص ۱۶۱)؛ لیکن علمای امامیه نقل کرده‌اند که آیات افک مرتبط با تهمت است که عایشه به ماریه قبطیه، مادر ابراهیم (فرزند رسول اکرم) زده است (قمی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۹۹). ضرورت دارد به‌طور اختصار گزارش روایی حادثه، از منابع اهل سنت و شیعه به‌صورت تحلیلی و تبیینی بیان شود. در صحیح بخاری از خود عایشه نقل کرده است که آیه ۱۱ سوره مبارکه نور، تنها آیه‌ای است که در شأن عایشه نازل شده است (بخاری، ۱۴۰۱ق، ج ۴، ص ۱۸۲۷). منطبق بر نقل عایشه، در ایامی که پیامبر شخصاً در غزوه‌ها حضور داشتند، یکی از همسران خود را به انتخاب قرعه، به همراه می‌برند، براین‌اساس در غزوه بنی‌المصطلق عایشه را راهی کردند و در طول مسیر، چندین تن در خدمتگزاری همسر پیامبر در تلاش بوده و وی را هنگام پیاده و سوار شدن مساعدت می‌کردند. پس از پایان جنگ، سحرگاه، عایشه برای قضای حاجتی از همراهان خود دور شده بود و به نقل دیگری عایشه به گردنبد یمانی خود که پاره شده مشغول بود و همین امر سبب درنگ او شد و مأموران به تصور آن که عایشه در کجاوه هست، کجاوه را بلند کرده و او از کاروان جا ماند.

باز به نقل از خود عایشه، وقتی متوجه جا ماندن از قافله می‌شود. پس از مدتی، صفوان بن معطل سلمی - که عقب قافله بود - عایشه را می‌بیند و او را سوار بر شتر کرده و پس از پیمودن راه، در طلوع آفتاب به پیامبر(ص) می‌رساند. در این لحظه، افرادی از سپاه پیامبر(ص) که عایشه را سوار بر شتر دیدند درحالی‌که صفوان زمام شتر را به‌دست دارد، ظنّ بد برده و مشغول دروغ‌پراکنی شدند. در این مدت، پیامبر(ص) نیز نسبت به عایشه کم‌مهر و توأم با سوءظن می‌شود و از اصحاب خود در این باره مشورت می‌خواهد (واقعی، ۱۳۶۹، ج ۲، ص ۴۲۶).

روایت مذکور با چهار سند در کتب روایی اهل تسنن بیان شده است (واحدی، ۱۴۱۱ق، ص ۳۲۹). با بررسی سلسله راویان این ۴ سند، درمی‌یابیم که فرد مشترک در تمامی سندها «شهاب زهری» است، که ایشان روایت را از عروه بن ربیع، سعید بن مسیب، علقمه بن وقاص و عبیدالله بن عبدالله بن عتبّه؛ که هر چهار نفر از تابعین‌اند نقل کرده است (بخاری، ۱۴۱۰ق، ج ۷، ص ۲۳۶؛ مسلم، ۱۴۱۲ق، ج ۴، ص ۲۱۲۹) و چهار نفر ذکر شده جملگی از عایشه بنت ابی بکر شنیده‌اند.

اسامی راویانی که در روایت آمد در کتب عامه از مشهورترین‌اند و از ثقات حدیث در منابع رجایی اهل سنت به‌شمار می‌روند (علوی مهر و سیفی عارف، ۱۳۹۹، صص. ۱۸۱-۱۸۲).

اشکال نخست آن است که در روایت منقول، شأن و منزلت پیامبر اکرم(ص) مورد تزلزل قرار گرفته است، چرا که دچار سوءظن نسبت به همسرش شده و سبب آزرده‌گی عایشه می‌شود، درحالی‌که حضرت رسول(ص) به جهت دارا بودن مقام عصمت مبرا از معصیت و خطا است و هرگز مبتلا به این منکر (سوءظن) نمی‌شود (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۵، ص. ۱۰۲). همچنین گناه بی‌عفتی و ارتکاب به زنا در خانواده هیچ‌یک از انبیاء راه ندارند چون سبب انزجار و تنفر دل‌ها از پیامبر شده و دعوت او را بی‌اثر می‌شود؛ لذا بر خداست که اهل بیت پیغمبر را از چنین گناهانی محافظت نماید (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۱، ص. ۳۰۸).

ثانیاً براساس روایت اهل سنت، اشاعه ماجرای افک نسبت به عایشه، یک ماه به طول انجامید و روزبه‌روز گسترش پیدا کرده تا جایی که خبر به سایر بلاد نیز سرایت می‌کند. باید گفت با فرض پذیرش این روایت، پیامبر فردی تلقی می‌شود که با اثربخشی از شایعه منافقان، یک ماه زمان را سپری می‌کند تا قضیه آشکار شود، درحالی‌که ایشان در همان وهله نخست شایعه بایست حد قذف را جاری و از گستردگی بیشتر آن اجتناب می‌کرد چرا که آیه قذف پیش از این حادثه نازل شده بود (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۵، ص. ۱۰۵). براین اساس با وجود راهکارهای قرآنی و اعمال حکیمانه نبوی، اطاله زمان و غفلت از زمانی که بایستی صرف هدایت مردم شود، امری غیرقابل پذیرش است.

ثالثاً با توجه به روایات منقول مرتبط با افک در کتب اهل سنت، اسناد به‌طور غالب به عایشه ختم می‌شود درحالی‌که عایشه خود ذی‌نفع است، از این رو جای تردید و تأمل دارد. اشکال دیگری که وجود دارد آن است که این ادعا که در جنگ‌ها، یکی از همسران پیامبر به قید قرعه ایشان را همراهی می‌کردند در هیچ موضعی جز غزوه بنی‌مصطلق که عایشه آن را روایت کرده یافت نمی‌شود، مضاف بر آنکه غزوه بنی‌مصطلق به لحاظ زمانی بسیار کوتاه بوده (ابن‌مشام، بی‌تا، ج ۲، ص. ۲۸۹) و به وجود همراهی همسر رسول اکرم(ص) و سایر زنان مسلمان نیازی نبوده است. براین اساس، با فرض صحت سندی روایت نزد اهل تسنن،

اشکالات مسلم درون‌متنی و دلالتی در روایت مذکور روشن است و پاسخ مستدلی از جانب مفسران اهل سنت در این باره واصل نشده است.

گروهی از مفسران و تاریخ‌دانان این نقل را نپذیرفته‌اند، زیرا شواهدی را مطرح می‌کنند مبنی بر آنکه داستان افک مربوط به «ماریه قبطیه» بوده است نه شخص «عایشه» (عاملی، ۱۴۲۶ق، ج ۱۳، ص ۱۸۱). از این رو، با عدم پذیرش نقل پیشین، داستان ماریه را بدین‌گونه بیان می‌کنند:

«زمانی فرزند پیامبر به نام ابراهیم، از دنیا رفت، حضرت غمگین شد و عایشه با تعجب به پیامبر گفت: چرا شما به این‌شدت از مرگ کودک خود ناراحت شدی و می‌گریی درحالی‌که ایشان فرزند شما نبود بلکه فرزند جریح است. رسول اکرم(ص)، علی(ع) را فرستادند تا جریح را به قتل برسانند، علی(ع) با شمشیر به طرف او حرکت کرد. وقتی در باغ جریح را کوبید، چون جریح، علی(ع) را غضبناک یافت، در را ننگشود و به داخل باغ خود گریخت. سپس علی(ع) وارد شدند و او را دنبال کردند و جریح نیز از شدت خوف به بالای درختی پرید و لباس خود را بالا زد و در این هنگام عورتش نمایان شد و علی(ع) متوجه شد جریح چیزی از مردانگی ندارد. ایشان نزد رسول اکرم(ص) آمدند و قضیه را تعریف نمودند و حضرت با خوشحالی گفتند: شکر خدایی را که این سوء را از ما دور نمود» (قمی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۱۰۰). با توجه به آنچه از کتب معتبر رجالی تشیع نقل شده، سلسله روایان روایت مذکور جعلی مورد وثوق و کثیرالرویه هستند؛ لذا فقها بر اسناد روایت صحه گذاشتند و مورد اتفاق است (علوی مهر و سیفی عارف، ۱۳۹۹، ص ۱۹۱). اصل ماجرای نسبت ناروا به ماریه قبطیه مورد اجماع در منابع اهل سنت است، هر چند به‌عنوان شأن نزول آیات سوره نور نپذیرفته‌اند (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۱۵ق، ج ۸، ص ۲۱۱)، همچنان که شیخ مفید نیز رساله‌ای را به این داستان اختصاص داده و آن را مورد اتفاق همگان دانسته است (مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۱۷). درباره اینکه ماجرای افک قبل از فوت ابراهیم بود یا پس از آن اختلاف است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲۲، ص ۱۵۵؛ قمی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۹۹).

اشکال عمده‌ای که به داستان ماریه وارد شده آن است که مقتضای برائت ماریه این است که حدالهی را بر عایشه جاری کرده باشند و حال آن که جاری نشده است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۵، ص ۱۰۷) و هیچ مفری از این اشکال نیست جز آنکه بگوییم این داستان قبل از نزول حکم قذف واقع شده است، چون اگر حد قاذف پیش از واقعه افک تشریح شده بود، هیچ مجوزی

برای تأخیر آن وجود نداشت (سیدمرتضی، ۱۹۹۸، ج ۱، ص ۷۸)؛ البته برخی از مفسران معتقدند سوره نور یکجا نازل شده است لیکن دلیل عدم اجرای حد از سوی پیامبر در این ماجرا آن بود که ایشان اجرای حد را به مصالح جامع اسلامی در آن برهه زمانی ندانسته‌اند (عاملی، ۱۴۰۰، ص ۲۵۷). علامه طباطبایی در تفسیر المیزان، هر دو دسته روایات (روایت عایشه و روایت مربوط به ماریه قبطیه) را مضطرب می‌داند و معتقد است نظر به اشکالات وارد نمی‌توان سبب نزول آیه افک را به‌طور قطع بیان کرد (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۵، ص ۱۰۴).

می‌توان نتیجه گرفت که سه مطلب در آیات سوره نور نهفته است: اول آنکه کسانی که مرتکب افک شدند به‌طور مشخص معرفی نمی‌شوند. نکته دوم آن است که به فردی که مورد افک و بهتان واقع شده است نیز اشاره‌ای نشده است و سوم اینکه با قرینه و نه به صراحت مورد اتهام بیان می‌شود. همچنین نکته حائز اهمیت در آیات، فارغ از اینکه کدام شأن نزول صحیح بوده آن است که آیات درصدد بیان یک نارسایی و خطری است که به‌طور دائم جامعه اسلامی را تهدید می‌کند، همان‌طور که در طول تاریخ، انبیاء نیز با آن روبه‌رو بوده‌اند که در حقیقت همان «مسئله افک» است.

پرواضح است که مضامین آیات افک، عام و متوجه عموم مؤمنان است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۵، ص ۱۰۷) و تنها مربوط به داستان‌های مذکور و محضر در خانواده رسالت نیست. بنابر قول آیت‌الله جوادی آملی، واقعه افک در مورد حریم پیامبر(ص) است هر چند در تعیین مصداق آن اختلاف نظر است که عایشه بوده یا ماریه قبطیه؛ اما عده‌ای از منافقان سعی کردند با رواج این تهمت، حریم حضرت را مسلوب‌الهیثه کنند (جوادی آملی، ۱۴۰۰، ج ۷۰، ص ۲۱۷).

به‌راستی آیات افک درصدد آن است که یک جریان ناهنجاری را در نظام اسلامی تبیین کند؛ زیرا مسئولان و حاکمیت نظام اسلامی در مظان افک از سوی منافقان و بدخواهان قرار می‌گیرند؛ لذا آیات افک با نگرشی حکومتی بایستی تحلیل شود، همان‌طور که در مفهوم شناسی افک هم بیان شد، افک دروغی عظیم، چندلایه و فراگیر است که هدف از آن وارونه ساختن واقعیتی در گستره اجتماع است. درحقیقت خداوند متعال در قرآن کریم، یک نمونه از مصادیقی که دشمن اقدام به بی‌آبرو کردن شخصیت رهبر نظام اسلامی کرد-

که البته مایوس ماند- را نقل می‌کند و مقصود اصلی قرآن، اخطار و آگاهاندن آیندگان است که بدانند هدف دروغ‌سازان، تضعیف نظام اسلامی و شکست اقتدار حاکمیت آن است.

۴- مصادیق افک در رسانه‌ها

مفهومی که از واژه «افک» پیش از این گفته شد عبارت است از خبر کذبی که گوینده آن به دنبال تغییر واقعیتی در سطح وسیع و اجتماعی به هدف انهدام حق است. پس تحریف در خبر دادن به نوعی از عقیده، گفتار یا عملکرد شخص نشئت می‌گیرد. با این بیان این‌گونه استنتاج می‌شود که افک یک بحث رسانه‌ای و مبتلابه است؛ لذا یکی از محدودیت‌های ورود در مسئله افک است و اخبار نباید به شکل افک تنظیم و منتشر شود. چنانچه نگاهی به برخی اخبار تحریف شده بیندازیم که در فضای مجازی فارغ از پژوهش، به سرعت بازنشر می‌شود و سبب وقوع اضطراب و ارجاف در سطح جامعه می‌گردد، به سهولت می‌توان نمونه‌های افک را در موقعیت رسانه‌ای مشاهده کرد (اسماعیلی‌طبا، ۱۴۰۰، ص. ۳۷).

قرآن کریم در سوره نور افرادی را که نقش اساسی در ایجاد و گسترش افک ایفا می‌کنند و عده عذاب عظیم داده است (طوسی، بی‌تا، ج ۷، ص. ۴۱۶)؛ البته در جریان افک در آیات ۱۱ و ۱۲ سوره نور، مسئله اتهام فحشا مطرح است؛ اما افک لزوماً منحصر به مفاسد اخلاقی و اتهام به زنا صورت نمی‌گیرد بلکه فراتر از آن است و هر نوع دروغ‌پراکنی دشمن که به هدف اشاعه فساد و تضعیف نظام اسلامی صورت پذیرد را دربر دارد. معمولاً این دروغ‌پراکنی‌ها همان‌طور که از قرآن (عُصْبَة) نیز استنتاج می‌شود به صورت شبکه و نظامی متشکل (حزب) است (حسینیان مقدم، ۱۳۸۴، ص. ۵۰).

امروز شاهد آن هستیم که گاه افاک‌ها به نحوی در قضیه افک ورود پیدا کرده‌اند که هیچ‌کس در نظام جمهوری اسلامی سالم نماند. به تعبیر دیگر، جریان افک را تا حدی طراحی تبلیغی کرده‌اند که این باور عمومی شکل گیرد که تفکر حاکمیت اسلام در عصر غیبت ناکارآمد است و طبیعتاً رسانه در ترویج خبر بالاترین نقش را ایفا می‌کند.

در این جایگاه به برخی از مصادیق افک در رسانه که گاه از روی غفلت بازنشر و اهداف دشمن را تقویت می‌کند، می‌پردازیم:

۱- اخبار مرتبط با مفاسد اقتصادی- که البته بایستی با آن مفاسد برخورد شود- به گونه‌ای منتشر شود که ذکر مفاسد همراه با سیاه‌نمایی و تبدیل به افک شود، این رویکرد نه تنها راه مبارزه با فساد را می‌بندد که چه بسا سبب سلب امنیت روانی جامعه شده و بی‌اعتمادی جمعی را گسترش می‌دهد، تاجایی که همگان اذعان می‌کنند که همه مسائل اقتصادی نظام فشل و نابسامان است و عملکرد درستی به هیچ وجه وجود ندارد. به طور قطع این باور جمعی از افک‌ها حاصل می‌شود.

۲- گاهی آمارهای غیرواقعی به هدف تخریب جامعه اسلامی منتشر می‌شود؛ به طور نمونه، آمار می‌دهد جامعه ایران را اعتیاد فرا گرفته است، درحالی که آمارهای منتشر شده منطبق با واقعیت نبوده و بدون تحقیق درباره اعتبار منابع خبر، تولید، پخش و بازنشر شده و سبب ایجاد تشویق و ارجاف در آحاد جامعه می‌شود.

۳- در برهه زمانی پیرامون برخی از مسئولان در رده‌های گوناگون اخبار متفاوتی مبنی بر جعلی بودن مدارک تحصیلی‌شان در رسانه‌ها رواج یافت و به تدریج این مسئله مبدل به یک جریان خبری منفی علیه سطوحی از مدیران نظام و چه بسا سبب تضعیف عده زیادی از مسئولان جامعه اسلامی شد؛ لذا این نوع از اخباری که رسانه‌های داخلی بدان دامن می‌زنند در نهایت حاکمیت نظام را لکه‌دار کرده و آرامش روانی را از جامعه برمی‌چیند؛ البته اشتباه و خطا در هر موضعی بایستی به درستی حل و با روش صحیح از رشد آن جلوگیری کرد؛ لکن سخن ما از دروغ‌سازی‌ها در سطح وسیع است که مسئله را از صورت اصلی خود دگرگون کرده و حاکمیت نظام اسلامی را در مقابل دیدگان افکار عمومی فاقد وجهت جلوه می‌دهد و این همان مصداق «افک» است.

۴- برخی مواقع در مورد اختلاف شیعه و اهل تسنن، بدون تدبیر و لحاظ مصالح اقدامات ناصوابی محقق می‌شود و تعابیری از برخی رسانه‌ها در حوزه مذاهب اسلامی منتشر می‌گردد که موجب افزایش عصبانیت‌ها و خشم‌ها درونی دینی می‌گردد و به جای تحقق وحدت و اخوت در دشمن‌ستیزی، به تخریب یکدیگر پرداخته می‌شود. براین اساس هدف دشمن که تفرقه‌افکنی میان مسلمانان است، تقویت خواهد شد.

۵- یکی از مصادیق بارز افک، به‌طور معمول در انتخابات ملاحظه می‌شود. طرفداران هر نامزد، برای بالاتر بردن آرای نامزد مورد نظر خود، چنان در مسیر تخریب نامزد مقابل، قلم‌فرسایی کرده و در رسانه‌ها رواج می‌دهند که اسباب سوءاستفاده معاندان و منافقان را مهیا کرده و در نهایت به‌جای رشد سیاسی دچار انحطاط نظام شده و بدبینی افکار عمومی نسبت به حاکمیت جامعه اسلامی حاصل می‌شود.

۵- پیامدهای افک در نظام اسلامی

واقعه افک، در تاریخ اسلام شدیدترین مکر و حيله‌ای بود که مسلمانان را در دام آن انداخت. بنابر آنچه در آیات و روایات مورد بحث تبیین شد، مسئله افک موضوعی اعتقادی، سیاسی و حیثیتی است و مختص به شأن نزول نبوده بلکه تمام مؤمنان تا دامنه قیامت را فرامی‌گیرد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۴۱۴)؛ براین اساس هرچند پیامدهای به ظاهر منفی دارد، اما از بطن آن فرصت‌هایی نیز برای مؤمنان حاصل می‌شود.

نظر به آنکه افک، نمودی از جنگ شناختی دشمن به حساب می‌آید و پرقدردتر از جنگ سخت می‌تواند نظام اسلامی به‌خصوص حاکمیت آن را متزلزل سازد، واکنش مسلمانان در مقابله با افک‌ها به مراتب دشوارتر است.

جامعه اسلامی نه‌تنها دارای امنیت نظامی و مالی است بلکه امنیت حیثیتی هم دارد (جوادی آملی، ۱۴۰۰، تفسیر سوره نور) و بر همه واجب است آبروی نظام اسلامی و افراد آن را حفظ کنند. در آیه ۱۲ سوره نور، واژه «بأنفسهم» به‌کار رفته است و مراد آن است که همه مؤمنان به‌منزله نفس واحدند که اگر اتهامی متوجه یکی از آنها شود، ناظر به همه آن‌هاست. در واقعه افک، بسیاری از مردان و زنان مؤمن ناخواسته دروغ‌های منافقان را رواج دادند و دشمن با فریب، اخبار کذب را با مهارت به مؤمنان القاء کرده و با ظاهر‌نمایی افراد را با خود همسو کرد.

در آیات سوره نور، ۵ بار حرف «لولا» که از ادات توییخ است به‌کار رفته و سازشگران را ملامت کرده است. این آیات نشانگر آن است که گروهی از مسلمانان به‌دلیل ضعف بصیرت، عملکرد منفعلانه داشتند و در مقابل رفتار گروهی و منسجم منافقان در جهت تضعیف نمودن پیامبر و به‌التبع آن، تخریب حکومت اسلامی واکنش مناسبی انجام دادند

(سلیمانی؛ سلطانی و فخلعی، ۱۳۹۱، ص. ۱۰۵) و متأثر از شایعه‌سازان به گمانی‌زنی‌های سوء پرداختند؛ لذا مورد شماتت قرار گرفتند (علوی‌مهر و سیفی عارف، ۱۳۹۹، ص. ۱۷۲).

با وجود تمام پیامدهای منفی که با نگاه اجمالی در وهله نخست به ذهن می‌رسد؛ خداوند در آیه شریفه می‌فرماید: «لَا تَحْسَبُوهُ شَرًّا لَّكُم» (نور: آیه ۱۱).

قرآن مؤمنانی که از بروز چنین اتهامی نسبت به خاندان پیامبر سخت ناراحت شده بودند دلگرم می‌کند که گمان نکنید جریان برای شما شر است بلکه بالعکس برای شما خیر بود؛ زیرا از چهره پلید منافقان نقاب برداشته و رسوایشان ساخت (سبزواری نجفی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص. ۳۵۶؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص. ۴۲۳). چه‌بسا در این حادثه شناخته نمی‌شدند و در آینده ضربه شدیدتر به مسلمان وارد می‌کردند. ضمیر «کم» در آیه گویای این است که خطاب متوجه عموم مؤمنان می‌باشد و به قول علامه طباطبایی، مراد از آن نفی شر و اثبات خیریت این پیشامد این است که یکی از سعادت‌های مجتمع صالح، شناخته شدن و بروز اهل ضلالت در آن مجتمع است تا آحاد جامعه به بصیرت دست یابند. آیات مذکور ابتلایی است تا غربالی صورت گیرد تا مؤمن از فاسق تمیز داده شود (مغنیه، ۱۴۲۴ق، ج ۵، ص. ۴۰۵).

یکی دیگر از فرصت‌های حاصل شده از این واقعه این بود که حساسیتی به مسلمانان داد که از این پس، نسبت به شایعات زود پذیر و منفعلانه عمل نکنند. علاوه‌براین، با توجه به مفهوم افک و مقصود افاک‌ها، پیامد مثبت دیگر این است که مسئولان و کارگزاران نظام اسلامی بدانند که در امور زندگی خود با مذاقه و احتیاط بیشتری پیشه کنند چرا که کوچکترین عملکرد، افتراهای بزرگی می‌سازد تا به تدریج افراد را نسبت به حاکمیت نظام اسلامی بدبین سازد.

نتیجه‌گیری

۱- درکتب لغوی، افک به‌معنای «برگرداندن و وارونه ساختن هر امری از حقیقت خود» آمده هم چنین به مفهوم «دروغ‌سازی و انحراف سایرین» است؛ لذا افک فراتر از دروغ ساده بلکه دروغی است پیچیده که همراه با تهمت است و با هدف بستن راه حق و اشاعه باطل، عموم مردم را درگیر آن می‌کند.

- ۲- خداوند متعال در آیه افک واژه «عصبه» را استعمال کرده و عصبه به جماعتی هم‌فکر و منسجم گفته می‌شود که حداقل ده نفر هستند، براین اساس افک، دروغ‌سازی از سوی افرادی ایجاد می‌شود که با ساختاری هدفمند و شبکه‌ای به‌دنبال انحراف جامعه هستند. در واقعه تاریخی افک، منافقان با تهمت فحشا به همسران پیامبر و انتشار آن سعی داشتند مردم را نسبت به پیامبر بی‌اعتماد کرده و از این منظر به مقاصد خود دست یابند. پس در افک دشمنان داخلی قله نظام که همان حاکمان حاکم و مسئولان آن هستند، تضعیف و تخریب می‌کنند و برخی ناخواسته با رواج دروغ آنان را یاری می‌کنند.
- ۳- نظرات مفسران اهل سنت و امامیه پیرامون روایات اسباب نزول آیه افک اختلاف دارد و برخی مورد افترا را عایشه و گروه دیگر ماریه قبطیه دانستند. با تحلیل روایات دریافتیم که در هر دو دسته از روایات ایراداتی قابل طرح است و سبب نزول آیه افک، واضح و روشن نمی‌باشد.
- ۴- معین و قطعی نبودن سبب نزول، خللی به تفسیر و مراد آیه وارد نمی‌کند چون آیات به دنبال تبیین یک نارسایی است که جامعه اسلامی به‌طور مستمر با آن مواجه‌اند و مسئله افک هرچند در خاندان رسالت رخ داده؛ لکن در تمام امصار و اعصاری که حکومت اسلامی برقرار است آن را تهدید می‌کند. در واقع دشمنان اسلام همواره مسئولان و حاکمیت نظام اسلامی را مورد هدف قرار می‌دهند. همان‌طور که در زمان پیامبر خانواده ایشان مورد بهتان واقع شد و قصد داشتند امنیت حیثیتی رهبر اسلامی را متزلزل سازند.
- ۵- رویدادها افک، به نوعی جنگ شناختی دشمنان اسلام است که فراتر از جنگ سخت و حرب تن‌به‌تن سبب سلب امنیت روانی جامعه می‌شود و با قبح‌شکنی از منکرات موجب شیوع آن خواهد شد.
- ۶- رسانه به‌عنوان اصلی‌ترین ابزار جنگ نرم و شناختی نقش پررنگ‌تر در توسعه و فراگیری دروغ‌سازی‌های دشمن علیه حاکمیت دینی دارد.
- ۷- حادثه به‌ظاهر تلخ افک که آثار سوپی چون تضعیف نظام و لکه‌دارکردن شخصیت رهبر اسلامی، بهتان و عذاب الهی را در پی داشت، از نظر قرآن پیامدهای مثبتی نیز برای مؤمنان داشت که حتی فرصت تلقی می‌شود؛ زیرا اولاً پرده‌برداری از چهره

دشمنان داخلی و منافقان می‌کند و ثانیاً سبب بصیرت‌افزایی مؤمنان می‌شود که با شنیدن هر خبری منفعلانه و اثرپذیر رفتار نکنند.

منابع و مأخذ

قرآن کریم

- آشوری، داریوش (۱۳۸۶). *دانشنامه سیاسی*. تهران: مروارید.
- ابن حجر عسقلانی، احمد (۱۴۱۵ق). *الاصابه فی تمیز الصحابه*. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن فارس، احمد با فارس (۱۴۰۹ق). *معجم مقاییس اللغه*. قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق). *لسان العرب*. بیروت: دارالفکر.
- ابن هشام، عبدالملک (بی‌تا). *السیره النبویه*. بیروت: دارالمعرفه.
- الازهری، ابومنصور (۱۴۲۱ق). *تهذیب اللغه*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- استانلی برس، اولیور و بولک، آلن (۱۳۸۷). *فرهنگ اندیشه نو*؛ ترجمه احمد بیرشک. تهران: انتشارات مازیار.
- اسماعیلی‌طبا، سیدمرتضی (۱۴۰۰). *کاربست سواد رسانه‌ای دینی در مواجهه با آسیب‌های فضای مجازی به‌عنوان یک مستحدثه*. پژوهش‌های فقهی. سال ششم. شماره یکم، صص. ۲۹-۴۶.
- الهی قمشه‌ای، مهدی (۱۳۸۰). *ترجمه قرآن*. قم: انتشارات فاطمه الزهرا.
- امین، سیده‌نصرت (۱۳۶۱). *مخزن العرفان در تفسیر قرآن*. تهران: نهضت زنان مسلمان.
- ایزدهی، سیدسجاد (۱۴۰۰). *فقه حکومتی*. *دانشنامه امام خمینی(ره)*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره).
- بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۴۰۱ق). *صحیح البخاری*. قاهره: احیاء الکتب السنه.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۴۰۰). *درس خارج تفسیر (تفسیر تسنیم)*. قم: مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائم‌اصفهان، سایت مدرسه فقاقت.
- حسینیان مقدم، حسین (۱۳۸۴). *بررسی تاریخی - تفسیری حادثه افک*. *تاریخ در آیین* پژوهش، سال نوزدهم، شماره هفتم، صص. ۱۵۹-۱۹۰.

دهخدا، علی اکبر (۱۳۴۵). *لغتنامه دهخدا*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران (مؤسسه لغتنامه دهخدا).

راغب اصفهانی، حسین بن عبدالله (۱۳۷۴). *مفردات الفاظ القرآن*. تهران: مرتضوی.
سبزواری نجفی، محمد بن حبیب (۱۴۱۹ق). *ارشاد الازهان الی تفسیر القرآن*. بیروت: دارالمتعارف للمطبوعات.

سلیمانی، حمید؛ سلطانی، عباسعلی و فخلعی، محمدتقی (۱۳۹۸). رد پای «جرم سازمان یافته» در فقه با نگرش بر توطئه «افک»، *مطالعات فقه اسلامی و مبانی حقوق*، سال سیزدهم، شماره سی و نهم، صص. ۹۵-۱۱۲.

سید مرتضی، علی بن الحسین (۱۹۹۸). *الامالی*. قاهره: دارالفکر.
شهید اول، محمد بن ملکی (۱۴۱۹ق). *نکری الشیعه فی احکام الشریعه*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.

صیادانی، علی (۱۴۰۱). تنوع معنایی و گستردگی در ترجمه از عربی به فارسی با رویکرد زبان‌شناسی زیا گشتاری: مطالعه مورد پژوهش واژگان (اثم، افک، فستق، ذنب)، *آموزش زبان، ادبیات و زبان‌شناسی*، سال پنجم، شماره دهم، صص. ۲۲۶-۲۵۶.

طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۴۱۷ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*. قم: دفتر انتشارات اسلامی
جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. تهران: ناصر خسرو.
طوسی، محمد بن حسن (بی‌تا). *التبیان فی تفسیر القرآن*. بیروت: دار احیاء تراث العربی.
العاملی، سیدجعفر مرتضی (۱۴۲۶ق). *الصحیح بن سیره النبی الاعظم (ص)*. قم: مؤسسه علمی فرهنگی دارالحديث.

علوی مهر، حسین و سیفی عارف، علی (۱۳۹۹). بررسی سندی و متنی روایات اسباب نزول آیات «افک» در تفاسیر فریقین، *پژوهشنامه علوم حدیث تطبیقی*، سال هفتم، شماره سیزدهم، صص. ۲۰۰-۱۶۹.

عمید، حسن (۱۳۶۴). *فرهنگ عمید*. تهران: امیرکبیر.

- غلامحسین نژاد، شهناز (۱۳۹۹). رسانه‌های اجتماعی، تازه‌های اطلاع‌رسانی و مهارت‌های اطلاع‌یابی، سال بیست‌ویکم، شماره پنجاهم.
- فولادوند، محمدمهدی (۱۴۱۵ق). ترجمه قرآن. تهران: دارالقرآن الکریم (دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی).
- فیض کاشانی، ملامحسن (۱۴۱۵ق). تفسیر الصافی. تهران: انتشارات الصدر.
- قرائتی، محسن (۱۳۸۳). تفسیر نور. تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- قمی، علی ابن ابراهیم (۱۴۰۴ق). تفسیر قمی. قم: مؤسسه دارالکتب.
- گنابادی، سلطان محمد (۱۴۰۸ق). تفسیر بیان السعاده فی مقامات العباد. بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). بحارالانوار. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- محمدپور، وحید (۱۳۹۹). رسانه‌شناسی. تهران: ادیبان روز.
- مسلم، ابن حجاج مشیری (۱۴۱۲). صحیح مسلم. قاهره: دارالحدیث.
- مشکانی سبزواری، عباسعلی و سعادت، ابوالفضل (۱۳۹۳). فقه حکومتی؛ نرم‌افزار توسعه انقلاب اسلامی خط‌مشی‌گذار از فقه سنتی به فقه حکومتی، علوم انسانی صدر. سال سوم، شماره نهم، صص. ۳۱۵-۳۲۶.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۹). آشنایی با قرآن. تهران: صدرا.
- مغنیه، محمدجواد (۱۴۲۴ق). تفسیر الکاشف. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مفید، محمد بن مغان (۱۴۱۳ق). رساله حول خبر ماریه. قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مهنا، عبدالله علی (۱۴۱۳ق). لسان اللسان. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- واحدی، علی بن محمد (۱۴۱۱ق). اسباب نزول قرآن. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- واقعی، محمد بن عمر (۱۳۶۹). المغازی. محمود مهدوی دامغانی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.